



مصاهرت از لحاظ لغوی نزدیکی و قرابت است و شوهر دختر و شوهر خواهر مرد را بنی صهر میگویند و در عرف و اصطلاح فقه و حقوق مصاهرت عبارت از علقه و رابطه ایست که به علت ازدواج در میان زن و شوهر و اقرباء هر یک از آنها ایجاد میشود و موجب حرمت بعضی با بعضی دیگر است .

هیچ مردی نمیتواند با زن پدر خود یا با زن یکی از اجداد خویش ازدواج کند و لو اینکه قرابت مزبور رضاعی باشد و اعم از اینکه نکاح دائمی باشد یا انقطاعی و خواه زن مدخول بها باشد یا غیر مدخوله بنا بر این زن هر یک از پدر و اجداد پدری و مادری هر چه بالا بروند نسبت با اولاد و احفاد آنها هر چه پایین بروند حرام است . این دستور ناظر به معنای حقیقی و فارغ از معنی مجازی است ازدواج هم اعم از دائمی یا انقطاعی است ، خواه نسبت نسبی یا رضاعی باشد و خواه زن صرفاً معقوده باشد یا مدخوله .

اگر مردی با زنی نزدیکی کرد. مادر آن زن هر چه بالا برود بآن مرد حرام است اعم از اینکه نزدیکی با آن زن از طریق مشروع باشد یا غیر مشروع.

اگر زنی با مردی ازدواج کرده باشد ولو اینکه هنوز میان آنها زناشویی و نزدیکی نشده باشد مادر آن زن هر درجه که بالا برود برای این مرد حرام و ازدواجشان ممنوع است خواه نسبی باشد یا رضاعی.

اگر با زنی نزدیکی شد اعم از مشروع و یا نامشروع، دختر آن زن بآن مرد حرام میشود و آن مرد نمی تواند با دخترهای آن زن ازدواج کند. ولی اگر فقط عقد کرده و دخول نکرده باشد در صورتیکه قبل از دخول مادر را مطلقه و سپس با دختر ازدواج کند صحیح است یعنی شرط حرمت دختر نزدیکی با مادر اوست.

ازدواج با دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن بدون اجازه زوجه ممنوع است یعنی اگر کسی زنی را در قید زوجیت خود دارد نمیتواند دختر خواهر یا دختر برادر او را ازدواج کند مگر با اجازه و تحصیل رضایت زن عبارت دیگر جمع بین عمه و دختر برادر موقوف به رضایت عمه و جمع بین خاله و دختر خواهر منوط بر رضایت خاله است.

حالا اگر ازدیده کسانی که پیوسته در هر مورد بخشنامه بعد از دفاتر صادر میگردد و بعنوان انتظام موجب بی نظمی بیشتر میگرددند نگاه کنیم و نخواهیم بدانیم که شهد بمافیة ضامن درک نیست باید دستور بدهیم که در موارد نکاح سردفتر از اداره آمار سؤال کند که آیا این خانم عمه دارد یا نه و آیا عمه اش با این داماد ازدواج کرده است یا نه. و ازدستگاه دیگری تحقیق کند که آیا زوجه دختر است یا نیست و خلاصه آیا دل یکی از زوجین در گرو دیگری است یا نه!

در صورتیکه تحقیق و بررسی در این مسائل با خود طرفین است زیرا که ممکن است ازدواج عمه بعلتی از علل در شناسنامه شوهرش نوشته نشده باشد یا شناسنامه ابرازی در دفترخانه دوم غیر از شناسنامه ارائه شده به سردفتر اول باشد. دستگاه ثبت و داد گستری باید تبلیغات ارشادی وسیعی برای آشنا ساختن

مردم باین امور و مسائل بکنند و مردم باید از لحاظ رشد اجتماعی و رشد اقتصادی بالا بروند. صدور این قبیل بخشنامه‌ها رشد افراد را ترقی نمیدهد بلکه مردم را مغرور و امیدوار میکند باینکه دفاتر این امور را بررسی می کنند و اداره کل ثبت و سردفتران هم مأخوذ به مسئولیتی میشوند که بوسیله بخشنامه به دست و پای خود پیچیده‌اند.

نمیدانم دستگاهی که قدرت و وسیله جوا بدادن صریح به استعمال دفاتر نداشته و در اغلب جوا بها احاله و مو کول به تحقیق دفتر خانه و معلق بمسئولیت خود سردفتران کرده و میکند چرا اینقدر بخشنامه صادر کرده و همه جادخیل و داخل شده و برای خود و سردفتران کار و مسئولیت تراشیده است ؟

این مردمی که بعضاً در دفاتر حقیقت را مکتوم میدارند و بمیل خود امور و معاملات خویش را در قالب مخصوصی ریخته نزد سردفتر می‌آورند و برای فرار از تورهایی که بعنوان مالیات و عوارض و . . . بدست دفاتر در راه آنها گسترده میشود قیمت معامله و ارقام داد و ستد خویش را بطور سرسام آوری پائین تر از واقع اظهار و ثبت می کنند چگونگی نمیخواهند با آهن بدشمشیر خوب بسازند؟

البته سردفتران باید در حد امکان و دانش خود ارباب رجوع را بآثار قانونی مسائلی که طرح می کنند آشنا سازند ولی با مبالغه و زیاده روی نباید مردم انتظار داشته باشند که سردفتر بیش از خود آنها بکار آنها علاقه داشته باشد و در احوال طرف معامله یا مورد معامله بیش از آنها تحقیق و بررسی کنند.

حالا از حاشیه بر گردیم به متن ، گفتیم ازدواج با دختر برادر یا دختر خواهر موقوف به رضایت عمه است و بدون موافقت و رضایت عمه جمع بین آنها ممنوع یعنی ازدواج لاحق باطل است این در صورتی است که اول عمه شوهر کرده باشد .

در صورتیکه گاهی هم ممکن است کسی دختر برادر یا دختر خواهر يك خانمی را که همان عمه یا خاله است بزوجهت در آورده باشد بخواد و عمه یا خاله

راهم اضافه کند .

بنا بر این دو فرض داریم یکی اینکه عقد عمه و خاله مقدم بر عقد دختر برادر یا دختر خواهر آنها باشد دوم اینکه عقد دخترها مقدم و عقد عمه یا خاله بعد از آنها واقع شود.

در صورت اول و تقدم عقد عمه یا خاله ازدواج با دختر برادر و دختر خواهر آنها بسته برضایت آنهاست و اگر قبل از جلب رضایت یا با احراز عدم رضایت و علم از طرف آنها مبادرت به ازدواج دخترها شد با اگر بعد از وقوع عقد رضایت دادند چه حکمی دارد و اگر ناراضی باقی ماندند چه حکم؟

بعضی معتقدند خود شرط صحت عقد تحصیل رضایت قبل از عقد باشد نه بعد از عقد و چون شرط مذکور قبل از عقد تحقق نیافته و تحصیل رضایت بعدی مؤثر نیست یعنی با فقدان شرط صحت مشروط آن نیز که همانا صحت عقد است از بین رفته است و بنا بر این عقد ثانوی باطل است .

بعضی دیگر میگویند که عمه یا خاله مختار است که عقد خود را الغاء و عقد دختر برادر یا دختر خواهر را فسخ نماید یا عقد آنها را تنفیذ و عقد خود را فسخ کند زیرا جمع شدن بین آنها بسته به رضایت عمه و خاله است .

برخی از دانشمندان حقوق اسلامی من جمله شهیدین عقیده دارند که چون جمع میان آنها بدون رضایت عمه و خاله غیر ممکن و در صورت جلب رضایت مقدور و مجاز است لذا عمه و خاله می توانند عقد دختر برادر یا دختر خواهر را تنفیذ کنند و عقد به حال خود باقی باشد و نیز میتوانند عقد آنها را فسخ کنند و اگر عقد ثانوی را فسخ کردند عقد محکوم به بطلان است .

با توجه بماده ۱۰۴۹ قانون مدنی که میگوید هیچکس نمیتواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود، این نظر مقبول است مفهوم مگر با اجازه زن خود این است که اگر زن فعلی شخص اجازه داد یعنی بعقد ثانوی رضایت داد یا پس از وقوع آن را تنفیذ کرد عقد صحیح است و اگر

اجازه نداد و عقد را فسخ نمود عقد ثانوی باطل است ولی در صورت دوم و تقدم عقد دختر خواهر و دختر برادر بر عقد خاله و عمه اگر عمه یا خاله با علم و اطلاع بر عقد نکاح دختر برادر یا دختر خواهر خود با شوهر یکی از آنها ازدواج کند خود این سابقه و اطلاع رضایت به جمع بین آنهاست و عقد صحیح است و اگر بدون سابقه و اطلاع بوده و بعد از عقد مطلع شده باشد رضایت به جمع بدهد عقد صحیح است و اگر رضایت حاصل نشد عمه یا خاله میتوانند عقد خود را فسخ کنند یا عقد دختر برادر یا دختر خواهر خود را فسخ کند و خود بزوجهیت باقی باشد و اگر رضایت به جمع داده شد نه عقد باطل است و نه اختیار فسخ عقد دختر خواهر یا دختر برادر را دارند زیرا با اعلام رضایت شرط صحت عقد تحقق پیدا میکند و حق فسخ ساقط میگردد در صورتیکه اگر رضایت نداده بودند میتوانند از حق فسخ استفاده کرده عقدا بهم بزنند .

هیچ کس حق ندارد و نمی تواند در آن واحد دو خواهر را در قید زوجیت خود اعم از دائمی یا انقطاعی داشته باشد ولی هر گاه زن نش فوت کند یا بعلت طلاق یا فسخ یا انحلال نکاح از زوجیت او خارج شود حق دارد با خواهر زن قبلی خود ازدواج کند .

تزوید مادر و دختر هم در عقد واحد ممنوع و عقد هر دو باطل است و در این مورد هیچ یک بر دیگری ترجیح قانونی ندارند و سمت مشروعی پیدائی کنند هر دو بآن مرد حرام و مانند زن بیگانه خواهند بود .

اگر کسی دوزن دائمی داشته باشد و در عقد لاحق و واحدی سه زن دیگر را بنکاح خود در آورد عقد زنهایی که در ازدواج دوم واقع شده باطل است و آثار ازدواج بر عقد لاحق مترتب نیست و مشمول آثار مصاهره میگردد .

اگر قبل از عقد نکاح از طریق شبهه یا زنا موافقه شد در حکم مصاهره و مشمول احکام آنست بنابراین اگر با زنی بصورت نامشروع یا شبهه موافقه بعمل آمد نسبت به پسر و پدر موافقه کننده حرام میشود مادر و دختر آن زن هم بر خود موافقه کننده

حرام است ولی اگر موافقه مزبور بعد از عقد واقع شود قول اصح این است که در عقد تزلزلی پیدا نشده و موافقه بعدی ایجاد حرمت نمیکند، یعنی اگر دامادی بعد از وقوع عقد با دختر (زوجه خود) بشبهه یا عالماً با مادر زن خود نزدیکی کرد در عقد سابق دختر و داماد خللی وارد نمی‌شود و آنها بیکدیگر حرام نیستند.

زنای چشم نگاه نارواست، هر گاه زن و مردی بیکدیگر نظر کنند، نظری که از روی شهوت نفس باشد، نظری که فقط برای شوهر شرعی مباح باشد در واقع مصداق این شعر خواهد بود که میگوید:

ادب عشق تقاضا نکند بوس و کنار دو نکه چون بهم آمیخت همان آغوش است
ازدواج آن زن برای پسر کسیکه با آن صورت بوی نگریسته حتی در صورتیکه فقط مرد بدون میل یا توجه زن از نظر شهوت چنان نگاهی کرده باشد ممنوع است.
اگر کسی زنی را لمس کرده باشد لمسی ممزوج با شهوت و لمسی که فقط برای شوهر شرعی مباح است، ازدواج آن زن برای کسیکه آن طور لمس کرده ممنوع است ولی اگر لمس و نظر اتفاقی یا در مقام انتخاب و خواستگاری و از لحاظ ضرورت و دور از شهوت مانند لمس پزشک و بیمار بود موجب ممنوعیت یا کراهت نمیگردد.

هر گاه کسی با زنی مرتکب زنا شود اگر آن زن شوهر نداشته باشد ممنوعیت دیگری هم نداشته باشد ارتکاب زنا مانع ازدواج آنها نیست و می‌تواند او را بزوجهیت خود در آورد ولی اگر زن بعد از آن می‌یا انقطاعی شوهر داشته است ازدواج او با این مرد زانی ممنوع و حرام است.

اگر زانیه در عده باین بود چون دیگر برای مرد حقر رجوع نیست زنا با او ممنوع ازدواج با زانی نیست و هر دو می‌توانند با هم ازدواج کنند و بطور کلی ازدواج با زن بدکار نه برای کسی که با او عمل شنیع انجام داده نه برای دیگران ممنوع است و هر چند بعضی معتقدند که تا از عمل زشت کناره‌گیری نکند ازدواج با او ممنوع است ولی قول بجواز اصح و اولی است.

اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را ازدواج کند. از عبارت ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی اینطور استنباط میشود که فقط خواهر و مادر «پسر» مفعول برای مرتکب فاعل حرام است. در صورتیکه مقصود پسر بمعنی اخس لغت نیست و بهتر بود بجای پسر «مفعول» نوشته میشد زیرا نظر عمومیت دارد و شامل هر کسی است که با او مرتکب عمل لواط شوند اعم از اینکه پسر یا مرد یا پسر مرد باشد کلمات مادر و دختر و خواهر هم عموم مادران و خواهران و دختران اعم از نسبی و رضاعی است، مادران هر چه بالا بروند و دختران هر قدر پایین بروند و این ممنوعیت ازدواج با مادریا خواهر و یا دختر ملوط وقتی است که عمل لواط قبل از وقوع عقد ازدواج واقع شده باشد نه بعد از عقد زیرا هیچ عمل حرامی که مؤخر و لاحق باشد عمل حلال مقدم و سابق بر خود را حرام و ممنوع نمی‌کند. ولی اگر میان پسر و دختری ازدواج واقع شد و منجر بطلاق گردید و بعد از تحقق طلاق شوهر دختر با برادر وی عمل شنیع کرد حرمت ثابت است.

حرمت و ممنوعیت ازدواج مخصوص فاعل است و برای مفعول ازدواج با اقربای فاعل منع نشده است. بحکایت ماده ۱۰۵۳ قانون مدنی حال احرام هم مانع ازدواج است و عقد در حال احرام باطل و در صورت علم بحرمت موجب حرمت ابدی است خواه احرام واجب باشد یا مستحب خواه احرام حجب باشد یا احرام عمره خواه قبل از فاسد نمودن احرام باشد یا بعد از فساد آن بطور کلی شخص محرم در هیچ يك از این حالات نمی‌تواند با زنی ازدواج کند و اگر بدون علم به حرمت ازدواج کند عقد باطل است و پس از خروج از حال احرام قابل تجدید است اما در صورت علم بحرمت علاوه بر بطلان عقد ازدواج ایجاد حرمت ابدی میکند اما مقاربت و نزدیکی زوجین در حال احرام یکی از محرمات سی گانه احرام است و علاوه بر حرام بودن کفار هم دارد با این تفاوت که در عین حرمت نزدیکی در حال احرام به بقاء رابطه زوجیت خللی وارد نمیکند و اثر دیگری از قبیل بطلان عقد یا حرمت ندارد یعنی زناشوئی باقی میماند و باید کفار داد.